

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و تشکیل حکومت در دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه

عزالدین رضائزاد *

چکیده:

سخن از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در آثار امام خمینی رحمته الله علیه در کتاب‌ها، رساله‌ها و سخنرانی‌ها به صورت گسترده آمده و از منظر قرآنی، روایتی، عقلانی و عرفانی تحلیل و بررسی شده است. یکی از ابعاد مهم در زندگی سیاسی - اجتماعی آن حضرت، تشکیل حکومت است. در این نوشتار، سعی شده بخش‌های مهمی از آثار امام رحمته الله علیه در این باره، با عنوان‌های زیر آورده شود:

رسالت بیان احکام و مسئولیت اجرای آن، پیوند رسالت رهبری دینی با رهبری سیاسی، تشکیل حکومت از سوی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، انگیزه حکومت نبوی، و وجوب اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله در اوامر حکومتی و مقام ریاست، دلالت احکام اسلام بر لزوم تشکیل حکومت، و نیاز ماهوی احکام اسلامی به حکومت است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، حکومت، حکومت نبوی، امام خمینی رحمته الله علیه، احکام اسلامی، رسالت دینی.

۱- مقدمه

ابعاد گسترده مباحث رسالت و نبوت از یک سو، و اهتمام ویژه حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به تبیین آن، از سوی دیگر، ما را بر آن داشت که به بررسی دیدگاه امام راحل رحمته الله علیه در مورد تشکیل حکومت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازیم تا از این طریق تبیین درست از اهمیت و ضرورت برپایی حکومت دینی صورت گیرد.

* استادیار و عضو هیئت علمی مرکز جهانی علوم اسلامی.

۲- رسالت بیان احکام و مسئولیت اجرای آن

پیامبران علیهم السلام که واسطه ابلاغ وحی الهی به مردم‌اند، رسالت اجرای قوانین و دستورات خداوند را هم بر عهده دارند. وجود قوانین در جامعه به تنهایی کافی نیست و انبیای الهی هم به طرح قانون بسنده نمی‌کردند. «دین اسلام، هدف را «قانون عادلانه» قرار نمی‌دهد بلکه «به قانون نظر «آلی» دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مهذب است. وظیفه مهم پیغمبران اجرای احکام بوده، و قضیه نظارت و حکومت مطرح بوده است...» (امام خمینی، ۱۳۷۳، ص ۱۵).

پس «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این‌که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجراییه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته تا دولت اسلام را به وجود آورد». (پیشین، ص ۱۸).

۳- پیوند رسالت رهبری دینی با رهبری سیاسی

از آن‌جا که دین و سیاست از هم گسسته نیستند، پیامبران همواره به سرنوشت سیاسی و اجتماعی جامعه توجه داشتند. این‌که عده‌ای می‌پندارند میان رهبری مذهبی و رهبری سیاسی تناقض وجود دارد، مفهوم مذهب را در فرهنگ اسلامی به درستی درک نکرده‌اند؛ زیرا نه تنها «هیچ‌گونه تناقضی بین رهبری مذهبی و سیاسی نیست، بلکه هم‌چنان‌که مبارزه سیاسی بخشی از وظایف و واجبات دینی و مذهبی است، رهبری و هدایت کردن مبارزات سیاسی گوشه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های یک رهبر دینی است. کافی است شما به زندگی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و نیز زندگی امام علی علیه السلام نگاه کنید که هم یک رهبر مذهبی ماست و هم یک رهبر سیاسی». (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۳۲).

۴- رسول اعظم صلی الله علیه و آله و تشکیل حکومت

به گواهی تاریخ ادیان و حکم عقل، هدف بعثت انبیاء علیهم السلام فقط بیان احکام نیست. آنان در راستای تحقق رسالتشان به تشکیل حکومت می‌پرداختند. «در حقیقت، مهم‌ترین وظیفه انبیاء علیهم السلام

برقرار کردن یک نظام عادلانه اجتماعی از طریق «اجرای» قوانین و احکام است که البته با بیان احکام و نشر تعالیم و عقاید الهی ملازمه دارد. چنان که این معنا از آیه شریفه به وضوح پیداست: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵) هدف بعثت‌ها به طور کلی این است که مردمان بر اساس روابط اجتماعی عادلانه نظم و ترتیب پیدا کرده، قد آدمیت راست گردانند و این با «تشکیل حکومت» و «اجرای احکام» امکان‌پذیر است، خواه نبی خود موفق به تشکیل حکومت شود مانند رسول اکرم ﷺ و خواه پیروانش پس از وی توفیق تشکیل حکومت و برقراری نظام عادلانه اجتماعی را پیدا کنند.

خداوند متعال که در باب خمس می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...» (انفال/۴۲) یا درباره زکات می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً...» (توبه/۱۰۵) یا درباره خراجات دستوراتی صادر می‌فرماید، در حقیقت رسول اکرم ﷺ را نه برای فقط بیان این احکام برای مردم، بلکه برای اجرای آنها موظف می‌کند؛ همان‌طور که باید اینها را میان مردم نشر دهد مأمور است که اجرا کند. مالیات‌هایی نظیر خمس و زکات و خراج را بگیرد و صرف مصالح مسلمین کند، عدالت را بین ملت‌ها و افراد مردم گسترش دهد، اجرای حدود و حفظ مرز و استقلال کشور کند، و نگذارد کسی مالیات دولت اسلامی را حیف و میل نماید.» (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۹۶۰).

با طرح چنین مسائلی است که در تاریخ و سیره پیامبر ﷺ اهتمام به تشکیل حکومت، همانند دیگر امور رسالت و نبوت مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، «سنت و روایت پیغمبر اکرم ﷺ دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً، خود تشکیل حکومت داد، و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته، و به اداره جامعه برخاسته است. والی به اطراف می‌فرستاده؛ به قضاوت می‌نشسته، و قاضی نصب می‌فرموده؛ سفرایی به خارج و نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرده؛ معاهده و پیمان می‌بسته؛ جنگ را فرماندهی می‌کرده، و خلاصه، احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است.

ثانیاً، برای پس از خود به فرمان خدا تعیین «حاکم» کرده است. وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر ﷺ تعیین حاکم می‌کند، به این معنا است که حکومت پس از رحلت رسول اکرم ﷺ نیز لازم است و چون رسول اکرم ﷺ با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ می‌نماید، ضرورت تشکیل حکومت را نیز می‌رساند.» (پیشین، ص ۶۲).

۵- انگیزه حکومت نبوی

تلاش همه جانبه پیامبر اسلام و سایر پیامبران عليهم السلام برای سعادت و خوشبختی مردم و جامعه انسانی بوده است. فراز و نشیب زندگی این منادیان توحید، برای زدودن شرک و کفر و برخورداری مخاطبان از فضای معنوی و عدالت اجتماعی بوده است؛ اما جاهلان و ریاست طلبان برای حفظ منافعشان به مقابله برمی‌خاستند و با برپایی جنگ و درگیری مانع تحقق اهداف نبوت می‌شدند. با نگاه اجمالی به انگیزه حکومت نبوی درمی‌یابیم که «رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم مقصدشان این نبود که مشرکان مکه را از بین ببرند و یا مشرکین جزیره العرب را از بین ببرند. مقصد این بود که دین اسلام را منتشر کنند و حکومت، حکومت قرآن باشد، حکومت اسلام باشد. آنها چون مانع بودند از این که این حکومت اسلامی تحقق پیدا بکند منتهی به جنگ می‌شد و معارضه، آنها معارضه می‌کردند با حکومت اسلامی، اینها مقابله می‌کردند. جنگ‌ها، جنگ‌های زیادی که پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم فرموده است، همه برای این معنا بوده است که موانع را از سر این مقصد الهی، مقصد اعلا که دارند و آن تحکیم حکومت اسلامی، حکومت الله، حکومت قرآن، همه برای این بود، به طوری که اگر چنانچه معارض با این نبودند معلوم نبود که جنگ پیش بیاید. معارضه داشتند و نمی‌گذاشتند که این حکومت تحقق پیدا بکند، جنگ پیش آمد.» (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۵-۴۴).

«و بر اساس نیاز، در... اسلام... قوای نظامی و انتظامی داشته است، در سیاست‌ها دخالت می‌کرده است و مسجدالنبی مرکز سیاست اسلامی بوده است.» (پیشین، ج ۱۶، ص ۲۳۲).

۶- وجوب اطاعت از رسول اعظم صلى الله عليه وآله وسلم در اوامر حکومتی و مقام ریاست

از دیگر احکام اسلامی که همه مسلمانان مکلفاند در امور شخصی و اجتماعی به آن پای‌بند باشند، فرمان‌برداری از پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم در اوامر حکومتی و در مقام ریاست بر جامعه است. «این که خداوند رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم را رئیس قرار داده و اطاعتش را واجب شمرده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء/۵۹) مراد این نبوده که اگر پیغمبر اکرم صلى الله عليه وآله وسلم مسئله گفت قبول کنیم و عمل نماییم. عمل کردن به احکام، اطاعت خداست. همه کارهای عبادی و غیرعبادی که مربوط به احکام است اطاعت خدا می‌باشد.

متابعت از رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم عمل کردن به احکام نیست، مطلب دیگر است. البته اطاعت رسول اکرم صلى الله عليه وآله وسلم به یک معنا اطاعت خداست، چون خدا دستور داده از پیغمبرش اطاعت کنیم. اگر رسول

اکرم صلی الله علیه و آله که رئیس و رهبر جامعه اسلامی است امر کند و بگوید همه باید با سپاه «اسامه»^۱ به جنگ بروند، کسی حق تخلف ندارد. این امر خدا نیست، بلکه امر رسول است. خداوند حکومت و فرمان‌دهی را به آن حضرت واگذار کرده است و حضرت هم بنا بر مصالح به تدارک و بسیج سپاه می‌پردازد، والی و حاکم و قاضی تعیین می‌کند یا بر کنار می‌سازد». (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۶۰).

۷- دلالت احکام اسلام بر لزوم تشکیل حکومت

آیا مسلمانان به تشکیل حکومت دینی موظف‌اند؟ آیا می‌توان بدون تشکیل حکومت، متدین و دین‌دار بود؟ در پاسخ به این قبیل پرسش‌ها، بدون ملاحظه ادله عقلی یا نقلی، می‌توان ماهیت و کیفیت قوانین اسلام را مورد مطالعه قرار داد. «ماهیت و کیفیت این قوانین می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است؛ [با این بیان که:] احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هر چه بشر نیاز دارد فراهم آمده است: از طرز معاشرت با همسایه و اولاد و عشیره و قوم و خویش و هم‌شهری و امور خصوصی و زندگی زناشویی گرفته تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مراوده با سایر ملل؛ از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی برای قبل از انجام نکاح و انعقاد نطفه قانون دارد و دستور می‌دهد که نکاح چه گونه صورت بگیرد و خوراک انسان در آن هنگام یا موقع انعقاد نطفه چه باشد، در دوره شیرخوارگی چه وظایفی بر عهده پدر و مادر است، و بچه چگونه باید تربیت شود، و سلوک مرد و زن با هم‌دیگر و فرزندان چگونه باشد. برای همه این مراحل دستور و قانون دارد تا انسان تربیت کند؛ انسان کامل و فاضل؛ انسانی که قانون متحرک و مجسم است و مجری داوطلب و خودکار قانون است.

معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط به خدمت تربیت انسان مهذب و با فضیلت درآید. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکام است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.

در [کتاب] کافی، فصلی است به عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۷۶-۸۰) و «کتاب» یعنی قرآن «تبیان کلی شیء»^۲ است، روشن‌گر همه چیز

۱- اشاره است به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت روانه کردن سپاه همراه اسامه که فرمود: «جهزوا جيش اسامة، لعن الله من تخلف عنها؛ برای لشکر اسامه ساز و برگ آماده کنید، خدا لعنت کند کسی را که با این لشکر همراهی نکند» (شهرستانی، ج ۱، مقدمه چهارم).

۲- اشاره است به آیه ۸۹ از سوره نحل: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...» و ما بر تو قرآن را فرو فرستادیم، در حالی که روشن‌گر هر چیز است».

و همهٔ امور است. امام سوگند یاد می‌کند (طبق روایات) که تمام آن چه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت هست و در این شکی نیست». (امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۲۱-۲۰).

امام خمینی علیه السلام در برابر این سخن که در اسلام حکومت تعریف نشده، و هیچ تکلیفی برای حکومت معین نگردیده است، موضع‌گیری کرده و با لحن تندى همراه با استدلال به طرفداران این افکار چنین می‌گوید:

«شما از کجا می‌گویید دین تکلیف حکومت را تعیین نکرده، اگر تعیین نکرده بود پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله چطور تشکیل حکومت کرد و به قول شما در نیم قرن نیمی از جهان را گرفت؟ آن تشکیلات برخلاف دین بود یا با دستور دین؟ اگر بر خلاف بود چطور پیغمبر اسلام و علی بن ابیطالب علیهما السلام خود بر خلاف دین رفتار می‌کردند؟!

... این همه آلتی که برای قتال با کفار و جنگ برای استقلال کشور اسلامی و برای کشورگیری در قرآن است بدون حکومت و تشکیلات صورت می‌گیرد؟ این همه جنگ‌ها و فتوحات اسلامی بدون حکومت و تشکیلات بوده؟ خوب، دست کم احکام جهاد و دفاع و سبق و رمایه و امر به معروف و ولایت را از یکی بپرسید و بی‌گدار به آب نرزد، رسوایی بار نیاورد.

اساس حکومت بر قوهٔ تقنینیه و قوهٔ قضاییه و قوهٔ مجریه و بودجهٔ بیت‌المال است، و برای بسط سلطنت و کشورگیری بر جهاد، و برای حفظ استقلال کشور و دفع از هجوم اجانب بر دفاع است. همهٔ اینها در قرآن و حدیث اسلام موجود است. قرآن در عین حال که کتاب قانون است، برای اجرای آن نیز کوشش کرده، و در حالی که بودجهٔ مملکت را به بهترین طرز... تعیین کرده، تکلیف کشورگیری و حفظ استقلال کشور را نیز معلوم نمود». (امام خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۳۸-۲۳۶).

۸- نیاز ماهوی احکام اسلام به حکومت

با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع در می‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است، و بدون تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی‌توان به وظیفهٔ اجرای احکام الهی عمل کرد. بعضی از موارد که در آثار حضرت امام خمینی علیه السلام آمده، چنین است:

الف - احکام مالی؛ مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته، نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است؛ مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. طبق مذهب ما از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع

زیرزمینی و روی زمینی، و به طور کلی از کلیه منافع و عواید، به طرز عادلانه‌ای [خمس] گرفته می‌شود. به طوری که از سبزی فروش درب این مسجد، تا کسی که به کشتی‌رانی اشتغال دارد، یا معدن استخراج می‌کند، همه را شامل می‌شود. این اشخاص باید خمس اضافه بر درآمد را پس از صرف مخارج متعارف خود به حاکم اسلام بپردازند تا به بیت المال وارد شود. بدیهی است درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع همه احتیاجات مالی آن است.

... تعیین بودجه‌ای به این هنگامی دلالت دارد بر این‌که منظور، تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده‌حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی قرار داده شده است. مخصوصاً با ترتیبی که اسلام برای جمع‌آوری و نگهداری و مصرف آن تعیین کرده، که هیچ‌گونه حیف و میلی در خزانه عمومی واقع نشود، و رئیس و همه‌الیان و متصدیان خدمات عمومی، یعنی اعضای دولت هیچ‌گونه امتیازی در استفاده از درآمد و اموال عمومی بر افراد عادی ندارند، بلکه سهم مساوی می‌برند.

... از طرفی «جزیه» که بر «اهل ذمه» مقرر شده و «خراج» که از اراضی کشاورزی وسیعی گرفته می‌شود، درآمد فوق‌العاده‌ای را به وجود می‌آورد. مقرر شدن چنین مالیات‌هایی دلالت دارد بر این‌که حاکمی و حکومتی لازم است. وظیفه حاکم و والی است که بر «اهل ذمه» بر حسب استطاعت مالی و درآمدشان مالیات سرانه ببندد، یا از مزارع و «مواشی» [چهارپایان] آنها مالیات متناسب بگیرد. هم‌چنین «خراج»، یعنی مالیات بر اراضی وسیعی را که «مال الله» و در تصرف دولت اسلامی است، جمع‌آوری کند. این کار مستلزم تشکیلات منظم و حساب و کتاب و تدبیر و مصلحت‌اندیشی است و با هرج و مرج انجام شدنی نیست. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده، سپس جمع‌آوری کنند و به مصرف مصالح مسلمین برسانند.

ملاحظه می‌کنید که احکام مالی اسلام بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد و اجرای آن جز از طریق استقرار تشکیلات اسلامی میسر نیست.

ب) احکام دفاع ملی؛ از طرف دیگر، احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است، بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد؛ مثلاً این حکم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال/۶۰) که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است، و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش.

ج) احکام حقوقی و جزایی؛ بسیاری از احکام، از قبیل دیات که باید گرفته و به صاحبانش داده

شود، یا حدود و قصاص که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت است و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم بر نمی‌آید». (امام خمینی، ولایت فقیه، ۲۵-۲۲).

منابع و مآخذ:

- ۱- امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، (مجموعه ۲۲ جلدی)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۲- _____، کشف الاسرار، انتشارات مصطفوی، قم.
- ۳- _____، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- ۴- شهرستانی، الممل و النحل، ج ۱، المقدمه الرابعة.
- ۵- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱، ۱۳۸۸ ق.
- ۶- نبوت از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه، (تبیان، دفتر چهل و یکم)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

